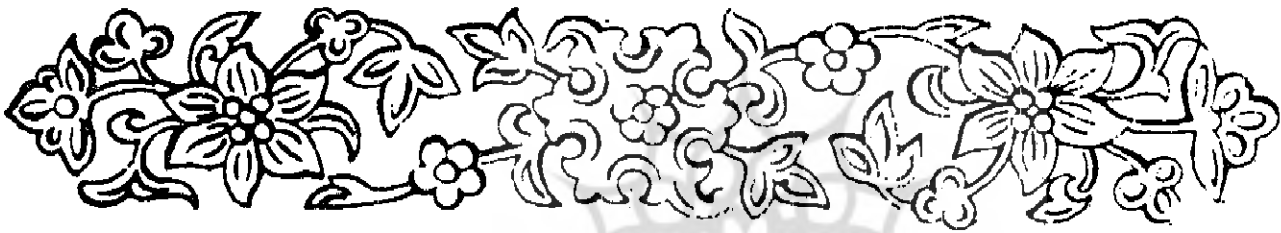


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزینش

و

تفاوت آن با قضاوت



جناب آقای میرمحمدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَلَقَدْ كَتَبْنَا لِي الزُّبُرِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنْ الْأَرْضَ يَرْبُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ

طرح مسأله

در بحث حاضر نخست به این نکته میپردازیم که آیا در اسلام عزیز موضوعی به نام گزینش وجود دارد ، تا در اطراف آن بحث کنیم و سپس به اختصار در باره تفاوت میان گزینش و قضاوت سخن میگوئیم

در واقع مقتضی است که نخست دانسته شود : آیا در اسلام گزینشی هست و میشود برای مطلوبیت آن از آیات شریفه قرآنی و احادیث اولیای دین استفاده نمود یا نه ؟ آنگاه باید به این سؤال پاسخ گفت که آیا چون در گزینش نوعی اظهارنظر و رأی وجود دارد ، باید گزینش را با قضاوت یکی دانست یا نه ؟

مطلوبیت گزینش با توجه به آیات و احادیث

۱-۱- گزینش مطلوب است

در آیات شریفه و احادیث و عقل دلائلی بر این امر وجود دارد . آیه شریفه بالا از آن جمله است : خداوند متعال میفرماید ما بغیر از کتاب تورات ، در کتاب زبور هم نوشته ایم : وقتی میآید که بندگان صالح و شایسته من زمین را متصرف میشوند و حکمرانی خواهند کرد^۱ همانطور که از آیه شریفه پیداست ، خداوند متعال بر خود لازم دانسته است زمین پهناور را در اختیار بندهای صالح خود قرار دهد و حکومتی شایسته و مقرون به هدایت حق الهی مستقر گرداند .

از آیه شریفه مستفاد میشود که این وعده حتمی خدا - که میفرماید حکومت و امر و نهی در اختیار بندهای صالح قرار میگیرد - امری مطلوب است و خدای تعالی این وعده را در مقام بشارت به پیغمبر اسلام ، داده است و بنابراین بر ما معلوم است که افراد صالح بنا بوعده الهی ، بهرحال ، حکومت زمین را در اختیار میگیرند . اما افراد صالح مانند باران از آسمان نمی بارند بلکه باید این افراد صالح تربیت شوند و سپس شناسائی گردند و به حکومت حق معرفی شوند و آنگاه حکومت کنند . در حدیث آمده است که امام باقر فرموده است : اینان (بندهای صالح خدا) یاران حضرت مهدی آخر الزمان (ع) هستند^۲ همچنین در روایت است که پیغمبر اسلام (ص) میفرماید اگر از دنیا بجز روزی باقی نماند خداوند آنروز را بلند و طولانی خواهد نمود ، تا مردی را که از اهل بیت من است برانگیزد ، تا زمین را که از ظلم و جور آغشته شده است ، از عدل و داد پر کند^۳ .

در این دو حدیث که آیه مورد نظر را به عصر امام زمان (ع) تطبیق فرموده اند محتمل است که گفته شود از جمله زمانهایی که حکومت بدست صالحان خواهد افتاد عصر امام زمان (ع) میباشد اما این وعده منحصر به زمان مذکور نیست بلکه ممکن است قبل از آن نیز حکومتهایی تشکیل بشود و اختیار آن در دست بندهای صالح خدا باشد. بهرحال تربیت افراد صالح و انتخاب ایشان در پستهای حساس از باب پیش مقدمه برای تحقق وعده حتمی ، امری

۱ - زبور کتابی است آسمانی که خداوند آنرا به داود پیغمبر نازل کرده و در آن توحید و تمجید خدا و اخبار غیب ، یعنی اخبار آینده ، دیده میشود . تفسیر صافی در حول آیه

۲ - عن الباقر (ع) هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان. تفسیر صافی در تفسیر آیه

۳ - وعن النبی (ص) انه قال : لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لظول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلا من اهل بیته یملاء الارض قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً - مدرک سابق . و اثبات الهدی نقل از ابوداود و ترمذی . ج ۳ ص ۶۱۰

گزینش و تفاوت آن با قضاوت / ۲۱

امت مطلوب که باید با دست توانای ملت اسلامی انجام گیرد ، تا در آن هنگام که وعده الهی رسید در خدمت حکومت قرار گیرند . همانطور که در حال حاضر قسمتی از زمین پهناور خدا با دست توانای سردان انقلابی به رهبری رهبر و قائد آگاه ما از حکومت طاغوتی بیرون آمده است و میخواهد با احکام نورانی اسلام اداره شود . در عین حال نظر به اینکه افراد فاسد و مادی ، در راه پیروزی کامل موانعی را ایجاد میکنند و اینگونه افراد در میان ملت ما مختمی و مخلوطند باید آنها را شناسائی کرد و از احراز پستهای حساس ممنوع ساخت ، تا نظیر اوائل پیروزی انقلاب نشود که بمناسبت ضرورت و یا عدم گزینش چند روزی اداره امور بدست بعضی از آنان افتاده بود و چه لطمه هائی که به انقلاب و مردان پاک انقلاب وارد نیامد با آن فرد لجوج و سرسخت فراری که تابع هیچ ارگان و مؤسسه نبود و همیشه من من او دلهای پاکان را آزوده میکرد و همیشه در هر سخنرانی دعوا بود و هیچ فکر نمیکرد هر ارگانی مسئول دارد و هر جشنی هم آهنگ کننده دارد او تابع هیچ ضابطه نبود چون صالح نبود . بهر حال هیچکس نمیتواند آشکارا گزینش را نفی کند . افرادی که در خرید کمترین مایحتاج زندگی خود گزینش میکنند و خوب را از بد جدا مینمایند ، چگونه میتوانند مخالف آن باشند که دستگاہهای غیردولتی یا دولت در استخدام کارمندان خود به گزینش نپردازند ، و هر کسی را استخدام کنند و کار خود یا مردم را بدست وی بسپارند و او در اهداف حکومت خلل وارد کند و مانع پیشرفت کار باشد . باری این کار امری است ذوقی و حسی و عقلی و دارای ریشه قرآنی است .

۲-۱- چند حدیث

الف - در حدیث معتبری آمده است که امام صادق (ع) را فرزندی بنام اسمعیل بود ، وی روزی بخدمت پدر میرسد و اظهار میکند : فلانی قصد رفتن به یمن دارد ، آیا صلاح است پولهای خود را به او بدهم که از یمن اجناسی برایم بخرد تا با آن کسب کنم ، امام (ع) در پاسخ او میفرماید آیا نشنیده‌ای که وی مشروب‌خوار است ؟ عرض میکند چرا شنیده‌ام اما ندیده‌ام . امام (ع) میفرماید پس اینکار را نکن . اسمعیل مخالفت میکند و پولهای خود را تحویل طرف میدهد و او پولها را تلف مینماید و چیزی برای اسمعیل نمی‌آورد . اتفاقاً امام (ع) در آنسال به حج مشرف میشود و اسمعیل نیز مشرف میگردد و در حین طواف به یاد از بین رفتن پولها میافتد ، و عرض میکند : خدایا در مقابل این مصیبت ، اجری برایم منظور کن و عوض آنرا بمن بده . امام (ع) که او را در چنین حالی می‌بیند او را فشار میدهد که برو تو چنین حقی نداری و خداوند به تو اجری نخواهد داد . تو با اینکه شنیده بودی که او مشروب می‌خورد مع ذلک ویرا امین دانستی و پولهای خود را به او دادی . عرض کرد ، من که ندیده بودم ، این مردم هستند که میگویند فلانی مشروب می‌خورد . امام (ع) فرمود ای پسر ، خداوند

در قرآن فرموده (یومن بالله و یؤمن للمؤمنین) یعنی پیغمبر (ص) بخدا ایمان دارد و مؤمنین را تصدیق میکند پس وقتی که مؤمنین بچیزی گواهی دادند آنان را تصدیق کن و به مشروب خوار اطمینان نکن .^۲

هنگامیکه در بحث اصول استاد معظم مرحوم آیت الله جناب آقای محقق داماد حاضر میشدم، این بحث مورد توجه قرار گرفت که آیا حمل فعل مسلمان بر صحت که یکی از قاعده های مسلم ما است، چه معنایی دارد آیا این مطلب، علاوه بر این معنی که در موارد شک باید کارهای برادر دینی خود را بر صحت حمل کرد، اثبات میکند که وی شخص سالم و خوبی هم هست، پس باید بر او اطمینان نمود و او را امین قرارداد، و بر جان و مال خویش مسلط نمود و یا مقصود آن است که وقتی از برادر دینی خود کلامی شنیدیم لیکن متوجه نشدیم، آیا وی سلام کرد و یا دشنام داد، مستفاد از قاعده اینست که باید فعل او را بر صحت حمل نمود و گفت سخن وی سلام بود و بنابراین باید جواب سلام او را داد؟ چنین نیست بلکه همین اندازه باید گفت، اصل برائت است و انشاء الله دشنام نداده است و بنابراین فاسق نشده است.

در واقع طبق این روایت حرفهائی را که در باره فردی میزنند نباید ندیده گرفت و او را مورد اطمینان در اموال قرارداد و نیز از حدیث شریف بخوبی پیداست که اگر در کارهای مهم تسامح شود نکوهش و ندامت در بر خواهد داشت.

ب - در عین حال باید به این نکته اشاره شود که در حدیث دیگر آمده است: هرگاه در عصری صلاح و نیکی غالب باشد و اهل آن غالباً و بطور اکثریت افراد صالح باشند، نباید کسی که از او خلاف و گناهی دیده نشده است مورد سوءظن قرار گیرد و چنین سوءظنی ظلم بر اوست. اما اگر فساد غلبه داشت و اهل آن غالباً فاسد باشند هرگاه فرد به کسی حسن ظن پیدا کند تحقیقاً در غرور و اشتباه است.^۳

۱- برائت ۶۱

۲- محمد بن یعقوب بسند معتبر، عن حریر، قال: کان لاسمعیل بن ابی عبد الله دنانیر و اراده رجل من قریش ان یشرب الخمر، فقال اسمعیل یا ابت ان فلا تا یرید الخمر الی الیمن و عندی کذا و کذا دیناراً فتری ان ادفعها الیه یتناع بها بضاعة من الیمن فقال ابو عبد الله یا بنی اما بلغک الخبر انه یشرب الخمر، فقال هكذا یقول الناس، فقال یا بنی لا تفعل، فعصی اسمعیل ابا و دفع الیه دنانیره فاستهلكها و لم یأت بشی منها فخرج اسمعیل و قضی ان ابا عبد الله (ع) حج و حج اسمعیل تلك السنة، فجعل یطوف بالبیت و یقول اللهم أجرنی و اخلف علی فلحقه ابو عبد الله (ع) فہزه بیده من خلفه قال یا بنی فلا و الله مالک علی الله من هذا و لک ان یا جرک و لا یخلف علیہ و قد بلغتک انه یشرب الخمر فائتمنته فقال اسمعیل انی لم اره یشرب الخمر انما سمعت الناس یقولون فقال یا بنی ان الله عزوجل یقول فی کتابه (یومن بالله و یومن للمؤمنین) یقول یرصدق الله و یرصدق المؤمنین فاذا شهد عندک المؤمنون فصدقهم و لا تا تمن شارب الخمر . . . / تفسیر برهان در تفسیر آیه .

۳- عن امیر المؤمنین (ع) اذا استولی الصلاح علی الزمان و اهله ثم اساء الرجل لم یظہر منه خزیه فقد ظلم و اذا استولی الفساد علی الزمان و اهله ثم احسن رجل الظن برجل فتد غرره - سفینة البحار (ساده ظن) .

گزینش و تفاوت آن با قضاوت / ۲۳

در این روایت امام (ع) ملاکی را بدست داده‌اند که امر گزینش را در بعضی از مواقع که اکثریت با نیکان است تا اندازه‌ای سهل مینماید .

ج - اما وقتی اختیار اداره امور کشور را بدست گروهی میدهیم ، دقت بسیار مقتضی است ، و چنانچه احتیاط محذوری نداشته باشد این دقت ، بسیار بجاست . در حدیث نیز آمده است که امام صادق (ع) فرموده است هیچگاه به برادر دینی خود اطمینان (صددرصد) و کامل نکن زیرا هرگاه در این زمینه زمین بخوری ، هیچوقت قابل جبران نیست .^۱

د - حدیثی که صراحتش در لزوم گزینش از احادیث دیگر بیشتر است همان دستور و فرمان مهم امیرالمؤمنین (ع) است بمالک اشتر ، هنگامیکه ویرا بعنوان والی مصر منصوب میکردند . که بوی فرموده‌اند : ای مالک کارمندان خود را از افراد باورع و تقوا انتخاب نما و سعی کن آنها را از خانواده‌های صالح که قدمت اسلامی دارند گزینش کنی .^۲ امام (ع) در این فرمان علاوه بر لزوم تقوی و ورع که باید در عمال دولت ملحوظ گردد ، در این امر خانواده را نیز مدخلیت داده‌اند ، زیرا افراد صالحی که از خانواده و شجره‌های طیبه‌اند بمراتب از افراد صالحی که در خانواده‌های ناپاک و شجره‌های خبیثه پیدا میشوند ، نافع‌تر ، مستقیم‌تر ، و لغزش ناپذیرترند . فرد صالح و متعهدی که دارای خانواده‌ای پاک است هرگاه لغزش در او پیدا شود بمجرداینکه با محیط خانواده خود روبرو شود تحت تأثیر آن قرار میگیرد و اما فرد صالحی که دارای خانواده‌ای غیر متعهد و فاسد است هرگاه گرفتار لغزشی گردد آن لغزش در محیط خانواده مؤکد خواهد شد و علاوه بر آن نیکی و تعهدش نیز در معرض خطر و وسوس خانواده قرار دارد . از این رو امام (ع) خانواده را در اولویت قرار داده‌اند و نیز در انتخاب افراد به رجحان قدمت و سابقه عنایت داشته‌اند ، زیرا افراد با سابقه در مراحل مختلف و گرفتاریها بمانند آهن آب دیده ثابت و مستقیم مانده‌اند و در واقع در حوادث و ناگواریها امتحان خود را داده و دین و تعهدشان را از دست نداده‌اند بخلاف افرادی که سابقه آنها در این انقلاب کم است و هنوز کارشان به امتحان نرسیده است ، تا بتوان مطمئن شد که در موارد صعبه ، دین را از دست نمیدهند و یا انقلاب را به ضدانقلاب تحویل نخواهند داد . نصایح حکیمانه امام است آیت‌الله‌العظمی خمینی مدظله و سفارش در باره صاحبان انقلاب و حزب‌الله به دولت روشنگر است . ایشان از مسئولین خواسته‌اند تا قدر جوانان

۱ - عبدالله بن سنان عن ابی‌عبدالله ع قال لاتلق باخیک کل الثقة فان صرعة الاسترسال لن تستقال . وسائل ج ۸ ص ۵۰۱
 ۲ - واصطف لولاية اعمالک اهل الورع والعلم والسیاسة من اهل البيوتات الصالحة و القدم فی الاسلام - نوح البلاغه .

حزب‌اللهی را بدانند و آنها را با بهانه‌های بی‌اساس پس نزنند.^۱
 بیان رهبر و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص بهانه‌های بی‌اساس اشاره
 بمطالبی است که در پیام و فرمان ۱۰ دیماه ۶۱ ایشان آمده است.^۲

۳-۱- نتیجه‌ای از احادیث

مستفاد از آنچه گذشت اینست که گزینش و انتخاب افراد صالح باید مدنظر باشد .
 دولت نیز از طرف ولایت امر مأمور گشته است که استخدام‌ها را بدون گزینش انجام
 ندهد ، بنابراین باید هیئت‌هایی را که صالح و شایسته باشند برای انجام امر گزینش انتخاب
 کرد و اختیار این امر مهم را به آنان سپرد . در واقع دولت ، بعنوان هیأت وزیران ، بالمباشره
 نمیتواند اینکار را انجام دهد ، بلکه باید بالتسبیب گروهی را برای انجام گزینش تعیین نماید .
 از فرمان ۲۲ بهمن ۶۳ استفاده میشود که حضرت امام از کیفیت گزینشها راضیند و بدین
 سبب دولت را مأمور به آن نموده‌اند .

مسئولان گزینش موظفند علاوه بر نظر خواهی ، چون در کارها امین قرار داده شده‌اند ،
 اظهار نظر نیز بنمایند یعنی در واقع به مسئولان اداره کشور گواهی دهند : فلانی که تقاضای
 استخدام کرده است ، شخصی صالح و متعهد است و دارای شرایط استخدام در جمهوری
 اسلامی است . در این حال چنانچه خدای نکرده در تحقیق تسامحی شده و یا روابط در
 کار گزینش تأثیر کرده باشد ، این حکومت جمهوری اسلامی است که متضرر میشود .
 بنابراین متصدیان گزینش مادامیکه از نتیجه تحقیقات متین و شرعی خویش اطمینان پیدا
 نکرده باشند نباید گواهی دهند ، والا مرتکب گناه شده‌اند .

۱- دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلف موفق نخواهد بود و
 دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنان به کشور و در
 منافع ملت بودن آنان تکیه کنند قدر این جوانان حزب‌اللهی را بدانید و از آنان قدردانی
 کنید ، این مغزهای متعهد باید تشویق شوند تا شکوفا گردند. مسئولین ، صاحبان اصلی انقلاب
 را با بهانه‌های بی‌اساس پس نزنند تا بجای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری
 به آنان هستند جایگزین کنند ، البته باید از متخصصان متعهد یا غیر معاند استفاده شود لکن نه به
 قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب . فرمان ۲۲ بهمن ۶۳

۲- اخیراً چند کتاب بعنوان سئوالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف
 شدم از آنچه در این کتابها و جزواتی از این قبیل به اسم اسلام ، این دین انسان ساز الهی برای گزینش
 عمومی مطرح شده است و آنها را میزان رد و قبولی قرار داده‌اند ، این نوشته‌ها که مشحون از سئوالات
 غیر مربوط به اسلام و دیانت و احیاناً مستهجن و اسف‌آور است تمام هیئت‌هایی را که بنام
 گزینش در سراسر کشور تشکیل شده‌اند منحل اعلام مینمایم ، چه در قوای مسلح و یا در وزارتخانه‌ها
 و ادارات و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاهها تمام آنها منحل است و ستاد انحلال را
 اعلام نماید و ستاد موظف است در اسرع وقت دستور دهد تا هیئت‌هایی به جای هیئت‌های منحل از افراد
 صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسائل روز تعیین ، تا در گزینش
 افراد صالح بدون ملاحظه روابط اقدام نمایند و گزینش زیر نظر آنها انجام گیرد .

گزینش و تفاوت آن با قضاوت / ۲۵

مطلب شایان توجه دیگر آنستکه شرایط گزینش بحسب کارها و مسئولیتها متفاوت است هر اندازه مسئولیت سنگین تر باشد ، اهمیت گزینش مسئول آن بیشتر است گزینش ریاست جمهور که طبق قانون اساسی دارای مسئولیتهای سنگین و منصب های حساس میباشد بمراتب حساس تر از انتخابهای دیگر است^۱

انتخاب یک قاضی نیز که طبق شریعت اسلامی و قانون مجلس شورای اسلامی شرایط خاص سنگین دارد^۲ ، با گزینش یک مدیر بسیار متفاوت است . قاضی احقاق حقوق و اجراء حدود و قصاص را در اختیار دارد و در احادیث شریفه حکم او را حکم الله دانسته اند و اگر به حکم او اهانت شود ، مانند آنست که به حکم خداوند استخفاف شده است^۳ نتیجه آنکه گزینش این قبیل مسئولان ، از حیث صلاحیت علمی و نیز از جهت صلاحیت دینی و تقوایی کاری بسیار دشوار است و کوچکترین تسامحی در انتخاب فاجعه آمیز خواهد بود.

۳

گزینش و قضاوت

اکنون باید دید : آیا گزینش همان قضاوت است ، که در نتیجه شرایط معتبر در انتخاب قاضی در خصوص مسئول گزینش نیز مراعات شود و یا غیر آن است ؟ در اینجا نخست معنی قضا را از لحاظ لغوی و سپس معنی آنرا از لحاظ شرعی مورد بررسی قرار میدهم و آنگاه به تفاوت میان گزینش و قضا اشاره سینمائیم .

۱-۲- معنای لغوی قضا

قضا به حسب لغت دارای معانی متعددی است از جمله آنها :

۱- اصل یکصد و سیزدهم : « پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجزیه را جز در اسوری که مستقیماً به رهبری مربوط میشود برعهده دارد . »

۲- ماده واحده - قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب میشوند :

« (۳) - ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران (۵) - دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضائی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضائی به کسانی که دارای لیسانس قضائی یا لیسانس الهیات رشته منقول ، یا لیسانس دانشکده علوم قضائی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضائی از مدرسه عالی قضائی قم هستند یا طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه مدرسین دیده باشند ، مادامی که به اندازه کافی مجتهد جامع شرایط در اختیار شورای عالی قضائی نباشد . » مصوب سه شنبه چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی .

۳- عن عمر بن حفصه قال سالت ابا عبدالله (ع) عن رجلین من اصحابنا بینهما منازعة دین او میراث ، الی ان قال (ع) ینظر ان من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیر ضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانتما استخف بحکم الله و علینا رد والراد علینا ، الراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله الوسائل ج ۱۸ ص ۹۹

- ۱- قضا بمعنای بجای آوردن است : این معنی در آیه شریفه « فاذا قضیتم منا سککم فاذکروا لله »^۱ آمده است : یعنی وقتی که اعمال حج را بجای آوردید یاد خدا کنید .
- ۲- قضا بمعنای امر و فرمان : چنانکه در این آیه شریفه می بینیم « و قضی ربک الاتعبدوا الاایاه »^۲ : یعنی خدای تو امر کرده است جز او کسی را نپرستید .
- ۳- قضا بمعنای وفا و پای بند بودن بعهده چنانکه در آیه شریفه « و من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممنهم من قضی نجه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً »^۳ : یعنی برخی از مؤمنین مردانی هستند که روی پیمان و عهد خود ایستادند ، پس گروهی از آنها به عهد خود (که همانا شهادت بود) وفا کردند و برخی دیگر در انتظار وفای بعهدهند و هیچ تغییری در عهد خود ندادند .
- ۴- قضا بمعنای فصل خصومت و حکم نمودن میان طرفین دعوی است : « ان ربک یقضی بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیہ یختلفون »^۴ یعنی ای رسول اسلام ، خدای تو حتماً روز قیامت در میان آنان حکم خواهد نمود و به اختلاف آنان خاتمه و فیصل خواهد داد .
- ۵- قضا بمعنی حکم مطلقاً ، گرچه در غیر موارد خصومت باشد .^۵

۲-۲- معنای عرفی و فقهی قضا

مرحوم صاحب الجواهر که از اساتید فقه و دارای مقام والائی است مینویسد^۶ قضا در عرف عبارت از ولایت شخصی است که جامع شرایط افتاء باشد بر حکم در باره اشخاص معین (طرفین دعوا) تا اثبات حق کند و یا استیفاء حقی را بنماید و بمستحق حق برساند . گروهی از فقها نیز چنین گفته اند بلکه بعضی از آنها این تعریف را به اصحاب نسبت داده است و سپس میگوید : در کتاب دروس در تعریف قضا گفته است : قضا عبارت از ولایت شرعیه بر حکم و یا بر مصالح عامه است ، که از ناحیه امام (ع) داده شده است ، آنگاه میگوید این تعریف از جهتیکه اعم از اول است بهتر از آنست ، زیرا تعریف دوم شامل حکم بهلال و امثال آنست ، بخلاف تعریف اول که فقط شامل حکم به رفع خصومت است .^۷

۱ - بقره ۲۰۰

۲ - اسراء ۲۲

۳ - احزاب ۲۳

۴ - کلمه « نجه » در آیه شریفه به معنی نذر و عهد است .

۵ - یونس / ۹۳

۶ - این معنی از قاموس اللغة نقل شده است .

۷ - قال الجواهر : و عرفاً ولایة الحکم شرعاً لمن له اعلیة الفتوی بجزئیات القوانین الشرعیة علی اشخاص معینین من البریة باثبات الحقوق و استیفاءها للمستحق کما فی المسالک و التنقیح و کشف اللثام و غیرها بل فی الاول منها نسبتة تعریفه بذلک الیهیم . الجواهر ج ۴۰ ص ۸

۸ - و فی الدروس : ولایة شرعیة علی الحکم و المصالح العامة من قبل الانام ع و لعله اولی من الاول ضرورة اعمیة مورده من خصوص اثبات الحقوق کالحکم بالهلال و نحوه و عنوم المصالح .. جواهر ج ۴۰

گزینش و تفاوت آن با قضاوت / ۲۷

حضرت امام دام‌ظله نیز قضا را بمانند تعریف اول نموده‌اند، یعنی آنرا منحصر در رفع خصومت کرده‌اند^۱ اشکال دیگری که بر تعریف اول وارد است اینکه هر گاه حاکم شرع حکمی را در مقام اجراء حدود صادر کند حکم قضائی نیست مثلاً اگر برای حاکم شرعی ثابت شود که کسی مشروب خورده است و حکم داد تا هشتاد تازیانه بر او بزنند حکم قضائی نیست مگر اینکه گفته شود قائلین به این تعریف ملتزمند که این قبیل احکام، احکام قضائی نیستند بلکه احکام ولائی‌اند که از طرف امام معصوم باهلش اعطاء شده است و اشکالی ندارد.

نتیجه

باری از تعریفهای قضاء و گزینش معلوم گشت که این دو موضوع دارای دو مفهوم متفاوتند و برای مسئول هر یک شرایط ویژه است. در اینجا یادآور میشویم که حضرت امام دام‌ظله در پیام ۲۲ بهمن ۶۳ پس از آنکه مطالب مربوط بقوه مقننه را بیان فرمودند پیام خود را متوجه قوه قضائیه کردند و سپس در مرحله سیم - که مربوط بقوه مجریه بود - در مورد گزینش به دولت توصیه فرمودند. اگر در نظر ایشان گزینش، همان قضاوت باشد مقتضی بود که در مرحله دوم (مربوط بقوه قضائیه) متعرض گزینش میشدند.

۲-۳- تفاوت گزینش و قضاوت

از آنچه سابقاً بدان اشاره شد، اجمالاً روشن میشود که گزینش با جمیع مقدمات و مؤخرات آن داخل باب گواهی و شهادت است و مسئول گزینش که از افراد ذیصلاح آشنای با شخص مورد تحقیق سؤال میکند پاسخهایی را که میگیرد عنوان شهادت دارند. نظر مسئولان گزینش هم که به مدیران عرضه میشود، گواهی و شهادت است و بنابراین باید شرایط شهود را در آنها معتبر دانست: این شرایط عبارتند از:

۱- بلوغ، ۲- عقل، ۳- ایمان، ۴- عدالت، ۵- طیب مولد، ۶- عدم تهمت^۲.

پس اگر دو شاهد عادل بموضوعی گواهی دادند باید آنرا مورد قبول قرار داد مگر اینکه موضوعی باشد که بیش از دو شاهد اعتبار کرده‌اند چنانکه در اثبات زنا شهادت چهار شاهد معتبر است. اما اگر عدالت گروهی از گواهان محرز نشود، و یا بعکس محرز شود که گواهان عدالت ندارند گواهی آنان هنگامی اعتبار دارد که بحد شیاع برسد و موجب اطمینان گردد. چنانکه در روایت هلال همینطور است که اگر تعداد زیادی از مردم گرچه عدالتشان

۱- القضاء: و موالحکم بین الناس لرفع التنازع بیهم بالشرائط الاتیه تحریرالوسیله ج ۲ ص ۴۰۴

۲- بمانند تهمتی که در شهادت و کیل برله موکل است و یا شهادت وصی برله صغار- و اما صرف رفاقت و نسب مانع قبول شهادت رفیق برله رفیق و یا شهادت فاسیل برله فاسیل نمی‌باشد.

روشن نیست ، بمقداری باشند که موجب اطمینان گردد هلال ثابت میشود . اما در بعضی از موارد در تحقیق حال فردی راهی که شرعاً معتبر باشد وجود ندارد ، نه میشود در صلاحیت او یقین پیدا کرد و نه گواهی دو عادل وجود دارد ، تا از باب بینة شرعی حجت باشد و مورد عمل قرار گیرد ، در این قبیل موارد چه باید کرد ؟ پاسخ اینست که در اینجا گرچه دلیل شرعی به آن معنی که مطرح شد ، وجود ندارد ، لیکن راه اثبات منحصر به این دو راه نیست بلکه یکی از راههای اثبات ، اطمینان است که از آن بعلم عادی تعبیر میشود ، و عقلاً آنرا در کارهای خود معتبر میدانند و به آن ترتیب اثر میدهند بنای عقلا ، هرگاه از مواردی نباشد که مورد منع شارع اسلام قرار گرفته باشد ، معلوم میشود مورد امضای اسلام قرار گرفته و اسلام آنرا پذیرفته شده است و بنابراین معتبر و حجت است . در باب عدالت ، که یکی از شرایط قاضی و امام جماعت است امام خمینی مدظله تصریح کرده‌اند که معاشرت مفید اطمینان و یا شیاع مفید اطمینان در احراز عدالت کافی است .^۱

با اینهمه نباید از نظر دور داشت که شیاع در تمام موارد مفید اطمینان نیست مثلاً هرگاه در شهری بین دو گروه اختلاف باشد و هر یک در تعیین نماینده مجلس شورای اسلامی در مقابل دیگری قرار گرفته باشد چه بسا در این موارد گواهی افراد زیاد یک گروه نسبت به فردی که از گروه آنهاست و یا طومارهای چندین متری آنها موجب اطمینان نگردد ، اما اگر از افراد بیطرف چند نفری گواهی دهند و وثاقت و عدالت شخصی را شهادت دهند چه بسا موجب اطمینان گردد .

نتیجه آنکه گزینش قضاوت نیست تا مسئول آن شرایط قضا را داشته باشد . البته در بعضی از موارد که قانون اساسی حقی را برای همه ملت منظور کرده (مانند اصل سی‌ام)^۲ هرگاه گزینش بخواهد جلو چنین حقی را بگیرد باید طبق ضوابطی باشد که قانون آنها را تعیین کرده است در این موارد اگر شخص محروم ، بحکم گزینش اعتراض نماید و مدعی باشد که محرومیتش خارج از ضوابط انجام گرفته است ، باید اعتراض وی در دادگاه مطرح و فصل خصومت شود .

۱- يعتبر فی المفتی و القاضی العدالة و تثبت بشهادة العدلین و بالمباشرة المفیده للعام او الاطمینان . زبدة الاحکام . کتاب التقلید مسئله ۱۰ و قال دام‌ظله فی شرائط امام الجماعة تثبت العدالة بالبينة والشیاع الموجب للاطمینان . مسئله ۳

۲- اصل سی‌ام : دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفائی کشور بطور رایگان گسترش دهد .